



گزارش سروی اشخاص دارای معلولیت که توسط انجمن اجتماعی کرامه برای حمایه و حقوق بشر انجام گردید

- کاهش تبعیض منفی در حالات مختلف اشخاص دارای معلولیت و کاهش مشکلات.
- واضح ساختن مشکلات اشخاص دارای معلولیت در ادارات دولتی.
- هماهنگی با ادارات ذیربط جهت کاهش مشکلات اشخاص دارای معلولیت.
- جمع آوری معلومات در رابطه به زنده گی کاری اشخاص دارای معلولیت.
- آگاهی دهی در رابطه تطبیق قانون اشخاص دارای معلولیت به عامه مردم.
- مشوره دهی و رهنمایی و حمایت در راستای کاری و تطبیق ستراتیژی کاری اشخاص دارای معلولیت.
- نشر و توزیع معلومات راجع به قانون معلولین و کاهش معضلات در ادارات دولتی.
- تنظیم پروگرام های ارتقای ظرفیت نزد اشخاص دارای معلولیت.

میتود تطبیق و تحقیق:

جمع آوری ارقام: سروی بشكل موفقانه از جانب کارمندان انجمن اجتماعی کرامه برای حمایه و حقوق بشر صورت گرفت که این بجز از سکتگی حد اقل که وزارت محترم امورزنان طی یک مکتوب عدم موجودیت معلولین را در اداره خویش اعلام کرد و وزارت محترم صحت عامه از همکاری درین راستا ایبا ورزیدند، باید متذکر شد که این سروی در وزارت خانه ها و واحد های دومی وزارت ها آغاز و ختم گردید که تعداد (250) از شهروندان در ادارات با تفکیک جنسیت و وضع اجتماعی که شامل (39) زن (211) مرد بودند و در روند تحقیق با بعضی از چالش ها نیز همراه بود که اعضای تحقیق سروی با ان موفقانه مجادله کردند بطور مثال: یکتعداد اشخاص دارای معلولیت آنقدر بی اعتماد بالای وعده ها بودند که تحقیق سروی انجمن میان را نیز در بی اعتباری قرار داده و به مصاحبه حاضر نمی گردیدند که مصاحبه کننده گان این سروی با ارائه دلایل منطقی توانستند که موفقانه برنامه سروی خویش را به پیش ببرند و مطابق با اهدافی که سروی را آغاز نموده بودند، مصاحبه را انجام و سوالات را جواب دادند و فورم ترتیب شده مکمل به اداره انجمن اجتماعی کرامه سپاریده شد. **چرا و چطور انجمن اجتماعی کرامه سروی را به راه انداخت؟**

برای انجام سروی مؤثر که بتواند افراد معلولیت در دوایر دولتی را شناسایی و چالش هایی را که این عده افراد با آن روبرو اند دریافت نماید، تیم تخنیکی و مسلکی این انجمن فورم پرسشنامه را طبق معیارات سروی های سریع و موجز ترتیب نمود

اشخاص دارای معلولیت بزرگترین اقلیت های انسانی جهان را تشکیل میدهند که راپور جهانی بیشتر از یک بلیون انسان که تقریباً 15 فیصد کل جمعیت بشری را تشکیل میدهد با یک نوع از معلولیت زنده گی مینماید که تقریباً (200) میلیون آن مشکلات قابل ملاحظه را در حیات روز مره شان تجربه می کنند و فامیلهای شان از آنها مراقبت مینماید که این طبقه، آسیب پذیرترین اشخاص و خانواده ها را در جهان تشکیل میدهند. در افغانستان بنابر عوامل متعدد از دیر زمان، تعدادی افراد جامعه مردان، زنان و اطفال معلول گردیده که در سه دهه جنگ گذشته به تعداد معلولین افزون گردیده که سروی ملی معلولین موسسه هندیکپ (ADSA) 27 فیصد مجموع نفوس بالاتر از 80,000 هشتاد هزار تن را نشان میدهد که این رقم 7% فیصد معلولین مابین بوده به تعداد 30% فیصد ازین اشخاص برای شان خدمات لازم اجتماعی صورت گرفته که این خدمات صرف احیاء مجدد یک عضو مصنوعی به افراد معلول که زیاتر در شهر های بزرگ و ولایات زنده گی میکنند صورت گرفته است.

کار تحصیل، صحت، توان دهی و سایر نیازمندی های آنان مشکلی بوده که همیش وجود داشته که به نسبت نبود مراکز خدماتی اشخاص دارای معلولیت با آن روبرو است، دید منفی و تبعیض در جامعه و فامیل ها، موانع، محدودیت های فزیک، محیطی و ساختاری در جامعه و فامیل ها، موانع، محدودیت دسترسی به خدمات در نهایت به حقوق مدنی و بشری و شهروندی شان افزایش می یابد. عدم موجودیت یک پالیسی جامع در زنده گی معلولین، عدم آگاهی جامعه و همچنان معلولین را در هر زمان و شرایط با موانع و محدودیت های بیشمار در جامعه روبرو نموده و مانع مشارکت همه جانبه آنان در عرصه های گوناگون حیات روزمره گردیده است. اشخاص دارای معلولیت باید به صورت کامل از ایفای نقش خویش در جامعه برخوردار شده و به منافع اساسی مثل سایر شهروندان دسترسی داشته باشند. تمرکز روی معلولیت و عدم معلولیت اشخاص یک امر مهم است، در اغلب موارد تصویر اشخاص دارای معلولیت از سنت های نادرستی شکل گرفته است که آمیخته با تبعیض بوده و آنان را لکه ننگی برای شان می شمارند.

هدف و مقاصد سروی: این تحقیق که از جانب انجمن اجتماعی کرامه برای حمایه و حقوق بشر صورت گرفته به منظور ارزیابی وضعیت اشخاص دارای معلولیت در ادارات دولتی، بیرون رفت در قسمت معضلات و پیشنهادات آنها که نیلا به خاطر بهبود وضع اشخاص دارای معلولیت اهداف ذیل را دربر میگیرد.

- ارزیابی وضعیت اشخاص دارای معلولیت در ادارات دولتی به منظور بازرسی و حمایت آنها.

سپس تعدادی از سرویران را در مورد آموزش داده و به اساس یک مکتوب رسمی از وزارت امور زنان دولت جمهوری اسلامی افغانستان، سروی را در دواير دولتي آغاز نمود که مشتمل بر وزارتخانه های (عدليه، زراعت، فوايد عامه، اطلاعات و فرهنگ، صحت عامه، ماليه، سرحدات، کار و امور اجتماعي، امور زنان، معدن، دفاع، معارف، مخابرات و تکنالوژی معلوماتي، داخله) و رياست های (ولسي جرگه، ناحيه هشتم شاروالي، کارتوگرافي، المپیک، اداري ستره محکمه، معلولين، جيولوجي، پوليس نظم عامه و شوراي اجتماعي معلولين، ورثه شهدا و عدالت خوا) می باشد. انجمن اجتماعي کرامه براي حمايه و حقوق بشر به اساس اهداف اساسنامه، تحقيقي را در رابطه به معلولين در ادارات دولتي انجام داده و به خاطر رسيدن به اهداف اين برنامه تحقيق و سروی موجوديت معلولين در ادارات دولتي طی یک فورم دريافت کارمندان معلول در ادارات دولتي سروی را آغاز نموديم، فورم سروی مطابق به تاريخ با تعيين نهاد مربوطه معرفت و آدرس، تعيين جنسيت، حالت مدني، علت معلوليت، درجه معلوليت، وظيفه و شغل، سال معلوليت، نوعيت معلوليت، مشکلات عمده معلول در نهاد مربوطه اش و همچنان پيشنهادهات عمده معلول صورت گرفت. به مدت يکماه سروی در وزارت خانه ها و ديگر نهاد های دولتي شهر کابل صورت گرفت که تقريباً به تعداد (250) تن سروی گرديده که از آن جمله به تعداد (39) تن زن و به تعداد (211) تن مرد را تشکيل می داد، که به شکل انفرادی در رابطه به سوالات، جوابات را ارائه فرمودند.

سوالات پرسشنامه:

سوالات اين پرسشنامه به سه بخش تقسيم بندي شده است که در بخش اول آن تاريخ مصاحبه، اسم نهاد و تعداد مجموعی معلولين، اسم مصاحبه شونده، اسم مصاحبه کننده، شماره تماس و ايميل مصاحبه شونده درج می باشد، در بخش دوم معلومات درباره جنسيت مصاحبه شونده، حالت مدني، سن مصاحبه شونده، نوعيت معلوليت، سال معلوليت، فيصدي معلوليت و وظيفه معلول درج شده است و در بخش سوم مشکلات عمده معلول در نهاد اش و پيشنهادهای عمده معلول درج گرديده است.

دريافت های سروی:

چون اشخاص دارای معلوليت بزرگترين اقليت های انساني در جهان را تشکيل ميدهد در افغانستان نیز از دير زمان تعدادی از زنان، مردان و اطفال معلول گرديده که در سروی دهه اخير جنگ، به تعداد معلولين افزوده گرديده است، گزارش تحقيقي که در سال 2016 ازآغاز ماه جنوري الی ختم فيروري ادامه داشت، یکی از بزرگترين چالش ها در سر راه معلولين تبعيض منفي است، که در اغلب موارد تصويری اشخاص دارای معلوليت از سنت های نادرست شکل گرفته که اقوام با تبعيض، معلولين را لکه ننگ می شمارند، اين افکار نادرست موانع بزرگ را برای معلولين خلق نموده است که باعث ميشود، اشخاص دارای معلوليت از توسعه و دسترسي باز مانند و نتوانند شامل فرايند توسعه شوند. گزارش نشان ميدهد که 83 فيصد معلولين در پاسخ های شان گفته اند که از حوادث جنگي معلول گرديده اند. مدعيان قدرت جهاني به مسوليت و نقش قدرت های نظامي شان عمل نمی کنند. آنان به توليد و انباشتن انواع مابين اعم از مابين ضد انسان و ضد تانک وغيره مبادرت می ورزند که توليد و تجارت مابين و اسلحه های جنگي در جهان سالانه بالغ بر حد اقل (3) ميليارد دالر را به کارخانه جات اسلحه کشور های توليد کننده سرازير مينمايند. زیرا تا زمانیکه عناصر جنگجو وجود داشته باشند، مابين و ديگر تعليمات را جزء ابزار فشار خويشتن به شمار می آورند جنگ قرين نقاط مختلف از محيط زنده گی ساکنان اين خاک خواهد بود. مبارزه با جنگ به یک آرمان همگانی در سراسر دنيا تبديل نشده جوامع عقب مانده مثل افغانستان تا هنوز هم درگير جنگ و استعمال اسلحه جات مختلف جنگي در جنگ اعلام نشده قرار داشته و ادامه دارد. 6% پاسخ دهنده گان حوادث ترافيکی را عامل معلوليت می پندارند که سياستگذاران اين موضوع را خیلی جدی و به چشم بينا بنگارند که در یک مملکت عقب مانده که سرمايه بيت المال به نفع جيب يکتعداد قدرتمندان به کار می رود و به وجود سرازير شدن مليارد ها دالر تا هنوز هم شهر ها مطابق به معيار های ترافيکی و رفت آمد ترانسپورتي عيار نگرديده و روزانه ده ها مردم بيچاره افغانستان قربانی حوادث ترافيکی می گردند. 11% معلولين از اثر حوادث طبيعی (مادرذاتی، افتيدن از بام و مريضی های گوناگون) معلول گرديده اند. با توجه به عوامل اين بيماری های خطرناک مشاهده ميشود که بستر مناسب توليد، رشد و گسترش در ميان شهروندان مهيا نبوده و همین امر نیز باعث شده است تا آمار اين بيماری رشد فزاينده داشته باشد. تامين احتياجات اوليه زنده گی، سکونت های مشخص،

ثابت و دارای امکانات لازم، داشتن مشکلات اقتصادي، جلوگیری از خشونت های خانواده گی و اجتماعي، از بين بردن رسوم و عنعنات ناپسند و خرافاتی که به روح و روان شان تاثير ناگوار دارد. غذای نا کافي، شغل مناسب و سالم، تفريح و آزادی های لازم را از لازمه عدم ابتلا به مشکلات روانی جز از نیاز مندی های جلوگیری ازین مشکل ميدانند. که سياست گذاران اين موضوع را بايد خیلی جدی بگیرند. بالا بردن آگاهی عامه و توجه در بين مردم بسيار ضروری و مهم است. 99% معلولين پيشنهاده می نمايند که بنيه مالی شان تقويت گردد، معاش خوب و ايجاد فضای مناسب در تمام عرصه ها، شموليت اشخاص دارای معلوليت و توانمند سازی آنان در راستای دسترسي به اهداف توسعه پايدار از اهميت خاص بر خوردار است. اشخاص دارای معلوليت بايد به صورت کامل از ايفای نقش خويشتن در جامعه برخوردار باشند و به منابع اساسی مانند ساير شهروندان دسترسي داشته باشند. 4% از معلولين از نداشتن تشناب های مناسب حال معلولين شکايت داشتند. در افغانستان آگاه سازی جامعه و خانواده های اشخاص دارای معلوليت از حقوق و موضوعات اساسی معلوليت می باشد، عيار سازی محلات دولتي و غير دولتي با مکاتب و مراکز آموزشی هماهنگی و همکاری بين نهاد های مختلف اجتماعي، داد خواهی از حقوق سياسی، مدنی و بشري اشخاص دارای معلوليت در راستای زندگی کاری و خانواده گی مورد توجه قرار گرفته و پيگیری گردد. به بیش از 20 فيصد معلولين در مقرری ها در ادارات دولتي و غير دولتي شکايت می نمايند. موضوع استخدام اشخاص دارای معلوليت در ماده (22) مورد توجه قرار گرفته و تمام ارگان های دولتي را مکلف می سازند تا سهميه سه در صد را به اشخاص دارای معلوليت اختصاص دهند، اما اين سهميه نه تنها در اين ارگان ها بلکه در ارگان های مرتبط با معلوليت نیز عملی نشده است، جالب اينکه در بسياری از موارد، ارزيابی صحتی از معلوليت ها به شکل غير قانونی و بدون ارتباط به وظايف مشخص در عرصه شغلی در روند استخدام اشخاص دارای معلوليت اعمال می گردد، خدمات ناکافي برای اشخاص دارای معلوليت اوج نامهربانی جامعه ما را در خصوص اشخاص دارای معلوليت نشان ميدهد که فکتور ياد شده اين سروی عدم مسوليت پذيري نبوده بلکه امکانات کافي با آگاهی های گسترده از عوامل معلوليت راه های درمان و جلوگیری و همچنان چگونگی برخورد باين پديده به نمايش می گذارد که قابل توجه سياستگذاران حکومتي بايد باشد. 2% معلولين از نداشتن ولچر مشکل داشتند، مفيد بودن هر کاری در یک جامعه ازین جهت است که آن شغل را برای رشد و توسعه فراهم نمايند ولی امروز در بسياری از ادارات در کناري بسياری معضلات، کمبود یکی اعضای بدن یک معلول را عيب دانسته به ياد فراموشی سپارند و در راستای خدمت هموطن اش سر باز ميزند مشکل یک انسان با فکر مکمل و اندیشه را که با داشتن یک ويلچر کمبودش را مکمل بسازد افکار و فهمش را هم مانند کمبود یک عضو بدنش را با کمبود ضرب مينمايد. 3% فيصد از معلولين از پذيرش شان در پوهنتون ها و تخفيف در پوهنتون ها پذيرفته ميشود با وجودیکه ادارات معارف و وزارت تحصيلات عالی در راستای تخفيف و آماده ساختن شرايط آموزش برای معلولين مکلفيت دارند، تا در تخفيف به اشخاص دارای معلوليت مراعات نمايند. در بسياری مراکز آموزشی از تخفيف اشخاص دارای معلوليت سرباز ميزند و هيچ مرجع قانونی از بابت اجرای اين ماده قانون نیز پاسخگو نيست و به قانون اشخاص دارای معلوليت ارزش داده نشده است. 14% از معلولين ضرورت به نداوی دارند با وجود اينکه قانون به نداوی و خدمات صحتی از سوی وزارت صحت عامه اشاره دارد و اعزام آنان به خارج از کشور جهت درمان نیز مورد تاکيد قرار گرفته است، در ماده 23 بار ديگر باز توانایی اشخاص دارای معلوليت مورد تاکيد قرار گرفته و اين فقره را شامل نهاد های چون کمیته ملی المپیک، شاروالي ها، نهاد های انکشاف شهری، والی ها نیز ساخته است، کشور ما و حتی پایتخت به لحاظ داشتن مراکز آموزش فنی و حرفه ای و خدمات صحتی برای اشخاص دارای معلوليت فاقد استندرد های لازم و معيار های کافي است که همین نقيصه نیز باعث شده است تا بسياری از معلوليت های قابل درمان با آنانيکه ظرفيت بازتوانی را دارد به حالت معلوليت باقی بماند. 7% معلولين از نداشتن مسکن شکايت داشتند، قانون وضع شده، شاروالي ها را نیز به دادن 50% تخفيف حين فروش نمرات رهائشی و وزارت انکشاف شهری و ساير ادارات مرتبط را نیز به رعايت 20% تخفيف ملزم می کند که باوجود اين هنوز هم اشخاص دارای معلوليت زياد هستند که بدون داشتن سرپناه ازین ناحيه به شدت رنج برده و دچار محروميت ها مستمری هستند، عدم آگاهی ادارات مرتبط نیز سبب ازدياد اين معضله می گردد و تمام تلویزیون ها و رسانه های گروهی و جمعی برنامه های لازم را از اين مسئله در دستور کار نشراتی خويش قرار داده و تدابير اتخاذ گردد، تا به عملی ساختن مواد و مفاد اين قانون توجه لازم نموده و مسؤليت ملی و انسانی

خویش را درین خصوص ادا نمایند. 5% از معلولین از نداشتن کارت معلولین شاکی بودند، مسلم است که توانمند سازی نیز بیان مفهوم دسترسی دارای حوزه گسترده و میدان وسیع اجرایی است که نمی توان به صورت محدود به آموزش های مشخص به اشخاص دارای معلولیت اکتفا کرد، این امر زمانی بستر عملی خود را باز می یابد و شامل سازی به انها صدق خواهد کرد که توانمند سازی در راستای احیا و بازسازی تمام قابلیت های اشخاص دارای معلولیت عملی نشده و زمینه و فرصت بازتوانی این اشخاص با استفاده از ابزار هند کیپ گردد، شناخت اشخاص دارای معلولیت با داشتن کارت معلولیت خود گویا کار بهتر و مسئولانه مراجع ذیربط را گواه است، ولی این معضله است نزد یکتعداد معلولین که تا هنوز دسترسی به کارت شمولیت از مراجع مسئول معلولین میباشد.

پیشنهادهای معلولین:

- 1- دولت باید کسانی را که مادر زاد معلول هستند نیز شامل امتیازات معلولین نمایند.
- 2- در ادارات دولتی تشناب ها مطابق به خواست معلولین آماده گردد.
- 3- پوهنتون های خصوصی باید در قسمت اخذ فیس از معلولین مراعات نمایند.
- 4- باید برنامه های آموزشی، فرهنگ سازی و اخلاقی برای محو و از بین بردن توهین و بی حرمتی علیه معلولین برگزار گردد.
- 5- در بخش ازدیاد معاش معلولین در ادارات دولتی بخاطر تکافوی فامیل شان توجه گردد.
- 6- در قسمت استخدام اولویت داشته باشند.
- 7- بعضی معلولین قابل تداوی می باشند و دولت باید در راستای تداوی آنها اقدام نماید.
- 8- برای معلولین دستگاه های کاری تهیه گردد تا خود شان بتوانند تکافوی فامیل خویش را فراهم نمایند.
- 9- برای معلولینی که نیاز به ولچیردارند دولت در زمینه باید همراهی شان همکاری نماید.
- 10- در بخش سرپناه، دولت با معلولین همکاری نماید.

ماده دوم و ششم قانون منع خشونت علیه زنان

حقوق مجنی علیها:

ماده ششم :

مجنی علیها خشونت دارای حقوق ذیل می باشد :

- 1- تعقیب عدلی مرتکب خشونت مطابق به احکام قانون.
- 2- دسترسی به مرکز حمایتی یا خانه امن یا سایر نقاط مصنون به موافقه وی.
- 3- دسترسی به خدمات صحتی عاجل طور رایگان.
- 4- داشتن وکیل مدافع یا مساعد حقوقی.
- 5- جبران خساره ناشی از عمل جرمی.
- 6- محرمیت موضوع نسبیتی.
- 7- سایر حقوقی که در اسناد تقنینی پیش بینی گردیده است

ماده دوم:

اهداف این قانون عبارت اند از:

- 1 - تامین حقوق شرعی و قانونی و حفظ کرامت انسانی زن.
- 2 - حفظ سلامت خانواده و مبارزه علیه رسوم، عرف و عادات مغایر احکام دین مقدس اسلام مسبب خشونت علیه زن.
- 3 - حمایت مجنی علیهای خشونت (زن متضرر) یا معروض به خشونت.
- 4 - جلوگیری از خشونت علیه زن.
- 5 - تأمین، آگاهی و آموزش عامه در مورد خشونت علیه زن.
- 6- تعقیب عدلی مرتکب جرم خشونت علیه زن.

گزارش کمپاین آگاهی دهی سرطان سینه و اشتراک انجمن اجتماعی کرامه برای حمایه و حقوق بشر درین کمپاین

کمپاین آگاهی دهی سرطان سینه بتاريخ 23/10/2016 از طرف وزارت صحت عامه با اشتراک سفیران، وزیران، کارمندان دولتی و غیر دولتی، محصلین و استادان پوهنتون طبی کابل که درتالار کنفرانس های پوهنتون طبی کابل ساعت 9:30 قبل از ظهر آغاز و به ساعت 11:30 ختم گردید، درآغاز، برنامه با قرأت قرآن کریم افتتاح گردیده، بعداً وزیر وزارت صحت عامه در مورد این کمپاین وضاحت داده، گفتند: این سرطان معمول ترین سرطان در افغانستان است که اگر به موقع تشخیص و تداوی نگردد باعث مرگ می گردد. او افزود که طبق گزارشات سازمان صحتی جهان، سالانه در حدود (20000) نفر در افغانستان به انواع مختلف به سرطان مبتلا می گردند که حدود (3500) واقعه آن را سرطان سینه تشکیل می دهد، مطالعات اخیر نشان می دهد که سالانه حدود (15000) نفر در افغانستان از اثر انواع مختلف سرطان جان می دهند که از آن جمله حدود (1700) واقعه آن از سبب سرطان سینه می باشد، وی از بنیاد مبارزه با سرطان در قسمت همکاری شان ابراز تشکر نموده وازوزارت محیط زیست، شاروالی ها خواهش کردند تا در نگهداری یک محیط سالم کوشا باشند. وی از رسانه ها خواهش نمود که در محدوده امکانات خویش این پیام را برای مردم برسانند، وی افزود: به امید روزی که سرطان در افغانستان تشخیص و تداوی شود و مردم به خارج نروند.

متعاقباً پیام محترمه خانم اول بی بی گل "لوراغنی" خوانده شد که بعداً محترم فرهاد"دريا" سفیر سرطان ثدیه درمورد خانمش سلطانه که مرض سرطان داشت ، اما اراده سلطانه بسیار قوی بود که در دوران تداوی چهارمین ماستری خود را به پایان رسانید، که این یک مبارزه با سرطان بود، اما در جامعه افغانی ما هنوز هم مرد سالاری ادامه دارد، درین حالت یک زن با یک جنگ روانی مقابل است و به پشتیبانی مرد ضرورت دارد، اما برعکس در جامعه ما زنان از گفتن مریضی شان امتناع و خود داری می ورزند. بعداً خانم "کرو خیل" افزود: اینکه مبتلا به سرطان سینه گردیده بود و چگونه ازاین مرض کشنده نجات یافت و همچنان در مورد نشانه های این مرض کشنده معلومات دادند، برنامه به ساعت 11:30 اختتام یافت.

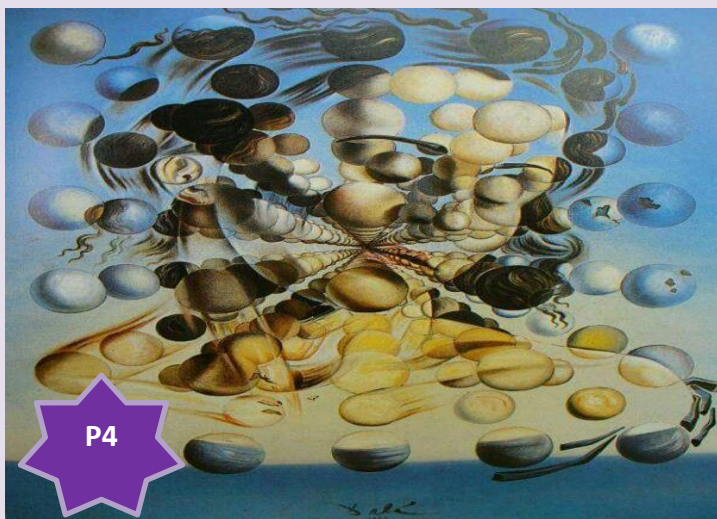
کله نا کله چې د علمي ډگر د نوابغو ځينې کيسې او واقعي واورم، ورته حيرانه شم، زه د استفادې په موخه دلته يو څو کيسې نکل کوم. برتراند راسل د غربي نړۍ له سترو معاصرو فيلسوفانو څخه دی. کوم واري وپوښتل شو، چې د خپلو نظرياتو لپاره د ځان قرباني ته حاضر دی، ده «نه» ځواب ورکړ او ورته يې وويل، چې نه پوهيږم زما افکار او نظريات څه دي؟ نن په يوه فکر، سبا پر هغه د رد کړبنه وکارم او بل نظر غوره کړم، نه پوهيږم د کوم يوه له پاره د ځان قرباني ته حاضر شم. سقراط څومره جالبه ويلي «زه تر ټولو خلکو هوښيار يم، ځکه په يوې خبرې پوهيږم چې په هيڅ نه پوهيږم».

دغه راز د اسلامي تاريخ ستر فيلسوف امام غزالي په داسې حال کې چې د نظامي مدرسي ستر استاد و، په خپله اعتراف کوي چې نه پوهيدم حق له کومې ډلې سره دی بالاخره د حق د پلټنې لپاره له ځانه ملنگ جوړوي.

د ستر امام مالک په اړه روايت شوي، چا ورته څلوېښت پوښتنې راوړې چې ځواب يې کړي، ده يې لږې پوښتنې ځواب کړې او نورو کې يې وويل چې نه پوهيږم.

د خداي رسول صلی الله عليه و سلم چې د وحې هدايت ورسره وو او تر بل هر چا ډېر پوهيده، خپل رب ته دعا کې وايي چې پوهه مې زياته کړی. د يوه مسلمان لپاره دا بهترين درس دی. يواځې خداي پوهيږي او موږ نه پوهيږو. بايد د دغې ډېرې کوچنۍ پوهې په لرلو غره نه شو، او نورو ته په سپکه و نه گورو. رښتيني پوهان ډېر عاجزان وي او هيڅ کله د پوهې دعوه نه لري.

ليکواله: نظيفه "ستانکزى"



«زه تر ټولو خلکو هوښيار يم، ځکه په يوې خبرې پوهيږم چې په هيڅ نه پوهيږم». سقراط وايي کومه چرمېنکۍ ټول عمر په يوه څاه کې پاتې شوې وه، بله ورځ کومې بلې بدبختې چرمېنکۍ پاس سرکونډۍ وخوړه او همدې څاه ته راوغورځيده، گوري چې څنگ ته يې همجنس ولاړ دی. خپلو کې يې کيسې شروع کړې، څاه والي ترې پوښتنه وکړه چې بره څه کيسې دي؟ دې ورته کړه چې هلته خو غټه دنيا ده، يو عالم مخلوق پورته دی. دې په خپله دنياگۍ کې يوه وړه غونډې کړبنه راتاو کړه، ورته يې کړه چې دومره دنيا به وى؟ هغې ورته اويلي چې دا يې په پرتله په نشت حساب ده. بيا يې لږه غټه کړبنه راتاو کړه خو چې بيا يې هم منفي ځواب واورېده، ورته يې کړه چې تر دې ستره نړۍ خو امکان نه لري.

زه چې د فکر ډگر کې ځينې نوي او نابنده ځلميان وينم، د دې چرمېنکۍ کيسه راياډه شي. خو د فکر او پوهې دنيا زموږ له دې فزيکي دنيا سره د پرتلې وړ نه ده، هغه د بحر مثال لري او له بحره هم ستره ده، څوک ترې غږ پورته کوي، څوک پرې خوله لمدوي، څوک ژبه او پر چا د يوې څاڅکې سلمه برخه پيرزو شي، خو جالبه دا ده چې څوک چې څومره لږ پوهيږي او يا هيڅ نه پوهيږي، تر ټولو ډېر جرئتي، توند او پرېکنده غږېږي. مخالفين يې که څومره ستر پوهان هم وي، څوک به ورته ناپوه ښکاري، څوک احمق او په چا به ملنډې وهي. ښايي لامل يې دا وي چې شاوخوا يې داسې څوک نشته چې په دغو بحثونو کې يې عمر تير کړی وي، د ډېر افسوس او خپگان ځای دا دی چې دا حالت يواځې زموږ په هيواد او زموږ په خلکو پورې محدود دی. د نورې نړۍ خلک په هر ډگر کې ځان ته خلک لري، خپل علمي مرکزونه لري او د فکري ډگر په اصولو او ادبياتو پوهيږي او درک کوي چې له چا سره څنگه تعامل وکړي. يو وختي موږ هم د علمي مخالفت په ډگر کې دغسې خلک لرل چې اصول يې پيژندل.

(OR2015- 25319)

(دعوت)

که هر څومره فکر او غور کړم
له دعوت څخه ښه نه گڼم بل لاره
د اسلام په تعليماتو چه نظر کړم
پکي وينم زه گلان هم بي له خاره
د بشر فلاح مقصود ده په اسلام کښي
ښه احکام پکي د ناستي او ولاړه
چي بنده يي د بنده د بندگي کړلو آزاد
هم يي جگ وکړلو غلام و مرتبي ته د سالاره
په يو صف کښي يي ولاړ بادار مريي کړ
هم ثابت يي کړو حق د هر حقداره
توپيرونه که درنگ وه که د ژبي
کړ اوچت يي هغه کس چي مهام تقوا داره
په وحدت او اتحاد سره يي يو کړ گڼ قومونه
شول نامداره هم په فصل او گفتاره
که څوک کاندې دښمني د داسي لياري
کاکړه بس دي داسي خلکو ته لمبي د هغه ناره

محترمه مريم "آريا" فارغ پوهنځي شرعيات پوهنتون کابل نظرياتش را
در مورد موضوعات درسي چنين ارائه نموده گفت: پروگرام آموزشی
که برای ما تدریس می گردد واقعاً دارای موضوعات مفید و جالب
است که توسط استادان عالیقدر داخلی و خارجی تدریس می گردد و
آنچه در این پروگرام برای ما تدریس می گردد به مثابه رهنما و افق
روشنی است که وقت و تعمق بیشتر در این عرصه به سعی و تلاش
خود ما بستگی دارد تا ما را به پهنای مؤفقیت برساند. او افزود من
ارزو دارم که بعد از فراگرفتن این ترینگ یک عنصر مفید برای
جامعه در کل و به خصوص برای قشر محروم و آسیب دیده جامعه که
عبارت از زنها هستند باشم.
او علاوه نمود جامعه ما به رهبران زن نیاز دارد خصوصاً در این
شرایط در جامعه ما زنهای محروم و عقب مانده از لحاظ موقف
اجتماعی بسیار زیاد میباشند، بناً آنها نیاز به رهبرانی دارند که از
جنس خود شان باشند و با توجه به نیاز های شان آنها را رهنمایی و به
مشکلات شان واری و وضعیت شان را بهتر نمایند. و یک زن رهبر
دارای خصوصیات ذیل باید باشد. 1- تحصیلات عالی 2- آگاهی
داشتن از اوضاع سازمان مربوطه که رهبری آنها به عهده دارد
3- مهربان بودن 4- قاطعیت 5- اعتماد به نفس 6- مسئولیت پذیر بودن
7- تأثیر گذار بودن.

خانم مريم افزود که در آینده ميخواهم يک رهبر خوب باشم چون
مهارت های دروسي که در اين ترينگ برای ما آموزش داده ميشود
من را قادر ميسازد تا در آینده يک رهبر خوب باشم، البته من ادعا
نمی کنم فعلاً توانايی رهبر شدن را دارم بلکه می خواهم اين توانايی
را در خود به وجود آورده و آنرا انکشاف دهم خواستن توانستن است.



ليکوال: دکور فصل الغني کاکړ



(0093) - 0 - 799319427

(0093) - 0 - 799824570



www.knahr.net



karamanet@yahoo.com

Address:

House No. 4, Butcher 8=Street,
opposite 10th district
municipality office
Shar-e-Naw, Kabul
Afghanistan

کابل، شهر نو، کوچه
(قصابی)، عقب
ناحیه دهم شاروالی،
خانه شماره چهار